

فرهنگ ، ادبیات ، آزادی بیان و کرامت  
انسانی چیست؟؟؟

{ حرفهای ناگفته یی از وضعیت رسانه ها  
و آزادی بیان در جامعه افغانها در داخل  
و خارج از کشور }

بخش پنجم - تهیه و پژوهش ( زیر و اسکاری )



## اصول اخلاقی و احترام به قانون در رسانه ها



احترام به آزادی بیان، نخستین قدمی است که غالباً در جهت دموکراسی برداشته می شود. آزادی بیان از مطالبات مشترک لیبرالیسم سیاسی بوده و از شالوده های آزادی وجدان است که رودرو با جزمیت و دگم قرار می گیرد. این دگم می تواند پادشاهی مطلقه (اهانت به مقام شامخ سلطنت) یا مذهب (گناه تکفیر و بی حرمتی) باشد. بو مارشله [نویسنده بنام قرن هیجدهم فرانسه.] به طنز از زبان فیگارو می گوید « تا زمانی که من در نوشته هایم نه از اقتدار، نه از کیش، نه از سیاست، نه از اخلاق، نه از صاحب منصبان، نه از صاحبان مال، نه از ایرا، نه از هر نمایش دیگر، نه از فردی که به چیزی احساس تعلق کند، صحبت نکنم. می توانم هر چه می خواهم آزادانه منتشر کنم، البته با اعمال دو یا سه سانسور.

اگر قدرت به معنی توانایی تأثیرگذاری بر دیگران باشد، مطبوعات آزاد قدرت بی اندازه ای دارند. در یک جامعه دارای دموکراسی، رسانه های خبری به طور کلی حق دارند پیش از این که خبری مورد تأیید دولت قرارگیرد، آن را

گزارش دهند. در بسیاری از کشورها برای روزنامه نگاران حمایت‌های قانونی پیش‌بینی شده است تا آنها بتوانند از این حق استفاده کنند. اما برخورداری از حق، مسئولیتی را نیز به همراه دارد. برای روزنامه نگاران، نخستین وظیفه مهم در جامعه‌ای آزاد، گزارش دقیق و منصفانه اخبار است: اعتقاد و عملکرد به اصول اخلاقی روزنامه نگاری. اصول اخلاقی مجموعه‌ای از اصول و ضوابطی است که به عمل جهت می‌بخشد. در جایی که قانون در موقعیتی خاص باید و نباید‌ها را مشخص می‌سازد، اصول اخلاقی به شما می‌گوید که چه باید انجام دهید. ضوابط اخلاقی بر اساس ارزش‌های شخصی، حرفه‌ای، اجتماعی و اخلاقی، شکل گرفته و ریشه در استدلال دارند. در واقع تصمیم‌گیری بر اساس اصول اخلاقی، به معنای به کارگیری این ارزش‌ها در فعالیت روزمره شما است. بیانیه شاپولت‌پک که در سال 1944 در قاره آمریکا به عنوان راهی برای مقابله با فشار در آزادی بیان در نیم کره شمالی مورد تصویب قرار گرفت، مشخص می‌کند که روزنامه نگاری بر اساس اصول اخلاقی برای موفقیت درازمدت رسانه‌های خبری امری ضروری است:

اعتبار مطبوعات به این عوامل بستگی دارد: متعهد بودن به حقیقت، پیگیری صحت خبر، رعایت عدالت و واقع‌بینی و تعهد به تفاوت قابل شدن میان اخبار و تبلیغات. به دست آوردن این اهداف، احترام به ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای نمی‌تواند تحمیلی باشد. این‌ها مسئولیت خاص روزنامه نگاران و رسانه‌ها است. در جامعه‌ای آزاد، این افکار عمومی است که نهایتاً پاداش و یا جزا می‌دهد.

در روزنامه نگاری خطاهای اخلاقی رخ می‌دهند. ممکن است بعضی خبرنگاران به رایحه اطلاعات ساختگی مبادرت کرده، یا برخی از مسوولین از منابع مختلف پول دریافت کرده باشند. و یا این که ارگانهای خبری، تبلیغات را به شکل اخبار منتشر کرده‌اند. هنگامی که چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد، افکار عمومی حق دارد که همه آنچه را که در رسانه‌های خبری مشاهده می‌شود مورد سوال قرار دهد. آنگاه که روزنامه نگاران خلاف اصول اخلاقی رفتار می‌کنند، همه روزنامه نگاران و همه ارگانهای خبری آسیب می‌بینند چرا که چنین رفتاری، درستی و صحت تمام حرفه روزنامه نگاری را زیر سوال می‌برد. هنگامی که اعتبار یک روزنامه آسیب می‌بیند طبیعتاً توان بقای اقتصادی یک ارگان خبری هم لطمه می‌خورد.

خبرنگار فقید و نویسنده معروف، جان هرسی که تأثیرات حمله اتمی به هیروشیما را پوشش خبری داد، می‌گوید: قانونی مقدس در روزنامه نگاری وجود دارد. نویسنده نباید از خود چیزی ابداع کند. شرح نوشته شده در ورق مجوز نشر، باید چنین نوشته شده باشد: هیچ کدام از این مطالب ساختگی نیست. روزنامه نگارانی که تابع ضوابط اخلاقی هستند، حرف در دهان مردم نمی‌گذارند و یا تظاهر نمی‌کنند که در محلی بوده‌اند که در واقع حضور نداشته‌اند. آنها کار دیگران را به نام خود رایحه نمی‌دهند.

روزنامه نگاران هر روز تحت فشار صاحبان جرید، رقبا و ادارات تبلیغاتی و افکار عمومی هستند و گاهی بر سر دوراهی‌های اخلاقی قرار می‌گیرند. آنها نیازمند فرآیندی هستند که خود را از باقی ماندن در این دوراهی‌ها سازند تا روش کار و روزنامه نگاری آنها بر پایه اصول اخلاقی باشد. آنها نیازمند شیوه تفکری دربارہ مسایل اخلاقی هستند که به آنها کمک کند حتی در هنگامی که موعدی برای تحویل کارشان تعیین شده تصمیمی صحیح بگیرند. این شیوه تفکر ریشه در اصول روزنامه نگاری دارد.

روزنامه نگاران باید در گردآوری، گزارش و تفسیر اطلاعات صادق، عادل و شجاع باشند. آسیب‌رسانی را به حداقل برسانید. روزنامه نگاران اخلاقی با منابع، موضوعات و همکاران خود به عنوان انسانهایی که شایسته احترام هستند برخورد می‌کنند. مستقل عمل کنید.

حق مردم به دانستن تنها اجبار و تعهدی است که باید برای روزنامه نگاران وجود داشته باشد. مسئول باشید. روزنامه نگاران نسبت به خوانندگان، شنوندگان، تماشاگران و یکدیگر مسئول هستند.

در نگاه اول ممکن است رعایت این نکات به نظر ساده آید. البته که روزنامه نگاران باید در جستجوی حقیقت باشند و به منابعی که از آن خبر می‌گیرند احترام بگذارند، اما اغلب این اصول، در خود دچار تضاد هستند. روزنامه نگارانی که در جستجوی حقیقت هستند ممکن است اطلاعاتی به دست آورند که به خانواده شخصی مجرم آسیب برساند. عضویت یک خبرنگار در ارگانی غیردولتی ممکن است باعث آگاهی او از قضیه‌ای که ارگان مربوطه با آن درگیر است شود، اما ارتباط او با آن ارگان ممکن است استقلال او را تهدید کند و موجه بودن آن برای مخاطب دشوار باشد.

در بسیاری موارد تصمیم اخلاقی گرفتن به منزله انتخاب میان صحیح و غلط نیست بلکه انتخاب میان دو امر که هر دو درست به نظر می‌آیند باشد. پس روزنامه نگاران چگونه می‌توانند تصمیم‌های اخلاقی بگیرند؟ در وهله اول در بعضی موقعیت‌ها بهترین کار، اجتناب از روبرو شدن با آن تنگناهای اخلاقی است. برای مثال خبرنگاران ممکن است تصمیم بگیرند که عضو هیچ گروهی نشوند و یا از پوشش دادن خبری در مورد گروه‌هایی که به آن تعلق دارند خودداری کنند. در موارد دیگر روزنامه نگار باید در جستجوی تعادل بهتر میان اصول متضاد باشد و همیشه در ذهن خود بیشترین اهمیت را به جستجوی حقیقت و خدمت به مردم بدهد. کارکنان برخی دفاتر خبری، از افرادی که در رأس هستند تا رتبه‌های پایین‌تر دچار سردرگمی می‌شوند. هرگاه که مسئله یا مشکل غیر قابل حلی پیش آید، مدیر مسوول تصمیم می‌گیرد که چه واکنشی باید صورت گیرد. با روبرو شدن با موقعیتی خاص، این احساس پیش می‌آید که مشکلی در میان است. هنگامی که چنین می‌شود، ضروری است آنچه که شما را آزار

می‌دهد مطرح کنید. چه ارزش‌هایی ممکن است مورد مصالحه قرار گیرند؟ چه موضوعات روزنامه نگاری در مخاطره است؟ اغلب میان هدف روزنامه نگاری و موضع اخلاقی تنش بوجود می‌آید. خبرنگاری که مطلبی کامل در اختیار دارد می‌خواهد هرچه زودتر پیش از آن که فرد دیگری به آن دست یابد، آن را چاپ کند؛ اما لازم است که عواقب احتمالی آن را نیز در نظر بگیرد. اگر معلوم شود که مطلب صحت ندارد چه باید کرد؟ روزنامه نگاران نباید ارزش‌های اخلاقی خود را برای به دست آوردن اهداف دیگری مثل شکست دادن رقیب، زیر پا گذارند. علاوه بر اصول اخلاقی بین‌المللی و منطقه‌ای، بسیاری از ارگانه‌های خبری دارای اصول رفتاری و استانداردهای حرفه‌ای هستند و از روزنامه نگاران خود انتظار دارند تا آن اصول را رعایت کنند. این اصول می‌تواند بیابانگر اعمال و فعالیت‌هایی باشد که توصیه یا منع شده و یا نیاز به تأیید مدیریت دارند. بسیاری از ارگانه‌های خبری آنچه که روزنامه نگاران در هنگام کار و یا خارج از آن می‌توانند انجام دهند را محدود می‌کنند. دلیل اصلی این محدودیت‌ها حفظ اعتماد مردم نسبت به ارگانه‌های خبری است. ارگانه‌های خبری ممکن است آشکارا به خبرنگاران و عکاسان بگویند که نمی‌توانند از مردم بخواهند برای گزارش آنها کاری انجام دهند که در شرایط عادی آن کار را انجام نمی‌دهند و سپس اخبار مخدوشی را به مردم ارائه دهند. خبرنگاران ممکن است اجازه پنهان کردن هویت خود برای تهیه گزارش را نداشته باشند، مگر این که کسب چنین اطلاعاتی برای جامعه منافع آشکاری داشته باشد و هیچ راه دیگری برای به دست آوردن اطلاعات وجود نداشته باشد. یک دستگاه تلویزیونی ممکن است مشخصاً استفاده از کمره های مخفی یا ثبت پنهانی را در به دست آوردن اخبار ممنوع اعلام کند، مگر آن که مدیر مسئول به دلیل نفع عموم جامعه اجازه این کار را بدهد. با پیدا شدن عکاسی دیجیتال، استانداردهای جدیدی درباره منع دستکاری عکس و یا ویدیو به نحوی که باعث گمراهی مخاطبان شود، افزوده شده است.

ماده نوزده منشور سازمان ملل متحد، شالوده استانداردهای بین‌المللی درباره رسانه‌های خبری است که می‌گوید: همه انسان‌ها از حق آزادی عقیده و بیان برخوردارند؛ این حق شامل آزادی برای داشتن هر عقیده ای بدون دخالت در آن و نیز حق پی‌گیری، دریافت و انتشار اطلاعات از طریق هر رسانه ممکن بدون در نظر گرفتن مرزی برای انجام آن می‌باشد. کشورهایی که عضو سازمان ملل هستند متعهدند که از این منشور و از جمله ماده نوزده آن پاسداری کنند، اما این مسئله نتوانسته مانع بعضی کشورها در تحت فشار قراردادن رسانه‌های خبری خود و یا سد کردن راه دسترسی به اخبار بین‌المللی شود. در مواردی، روزنامه نگاران در تلاش برای انجام وظیفه خود، کشته، زندانی و یا تبعید شده‌اند.

قوانین مربوط به مطبوعات در سراسر جهان آن چنان متفاوتند که نمی‌توان همه آنها را خلاصه کرد. بعضی کشورهای آزاد، قوانینی برای اطمینان دادن به روزنامه نگاران در مورد دسترسی به اطلاعات عمومی دارند، در حالی که سایر کشورها، انتشار و پخش اطلاعات را محدود می‌کنند. در بعضی کشورها، ذکر نام قربانی یک جنایت جنسی و یا بیان هویت نوجوان متهم به اعمال خلاف، ممنوع است. حتی در داخل کشوری ممکن است قوانین محلی مختلفی وجود داشته باشد درباره مسایلی نظیر این که آیا می‌توان یک روزنامه نگار را وادار به ذکر نام یک منبع محرمانه یا یادداشت‌های خبری در یک دادگاه قانونی کرد یا خیر؛ همچنین تحت چه شرایطی این عمل انجام پذیر است؟ کافی است بگوییم که روزنامه نگاران باید از قوانینی که در کشور محل کارشان جاری است و نیز از تلاش‌هایی که برای لغو قوانین محدود کننده در حال انجام است، آگاه باشند.

یکی از رایج ترین موضوعات قانونی که روزنامه نگاران با آن روبرو هستند تهمت یا افترا است. در حالی که تکنالوژی جدید، روش‌های کار روزنامه نگاران را تغییر می‌دهد، قوانین مطبوعاتی، مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرند. در وهله اول سوال‌هایی وجود دارند نظیر: آیا خبرنگاران اینترنتی باید از همان حقوق و حمایت‌های روزنامه نگاران سازمان‌های رسمی برخوردار باشند؟ آیا همان امتیازات باید شامل وبلاگ نویسان اینترنتی هم شود؟ احتمالاً این سوال‌ها برای مدتی بی‌پاسخ خواهند ماند. روزنامه نگاران مسلماً ملزم به رعایت قوانین دیگری نیز هستند که شامل سایر افراد آن کشور می‌شود، مثل قوانین مربوط به حریم خصوصی افراد. روزنامه نگاری که در پی کسب اطلاعات است نمی‌تواند وارد ملک خصوصی افراد شود، نمی‌تواند بدون اجازه، مدارکی را به دست آورد یا مبادرت به استراق سمع کند و درعین حال انتظار عواقب قانونی نیز نداشته باشد.

استاندارد بالایی از رفتار حرفه‌ای مستلزم اعتقاد قوی به حصول منافع عمومی است. بی‌جوئی امتیازات شخصی و تشویق منافع خصوصی مغایر رفاه عامه، به هر دلیلی، ناقض رفتار حرفه‌ای است. افتراء، اهانت، بدنام کردن عمدی و اتهامات بی‌اساس، و ... تخلفات جدی حرفه‌ای هستند. حسن‌نیت نسبت به عموم، اساس روزنامه‌نگاری صحیح است. هرگونه اطلاعات منتشره که مضر و نادرست باشد بایستی فوراً و بلافاصله تکذیب شود. شایعات و اخبار تائید نشده بایستی مشخص گردد و رفتاری مناسب با همین حالت با آنها شود. از اعلامیه ملل متحد.

**آزادی چیست؟** - تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

این، ماده‌ی اول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است که تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد، موظف به اجرای آن هستند. در این ماده، سه مفهوم اصلی مطرح شده است:

- انسان (نوع بشر)

- آزادی

آزادی و اختیار، جزو تعاریف وجودی انسان است. این آزادی بود که باعث شد بشر تخیلاتش را تا امروز تحقق ببخشد، کشور بسازد، امپراتوری بسازد، اختراع کند، زندگی را برای خود بهتر کند، یا بدتر کند. بعد عده‌ای تصمیم گرفتند فقط خود آزاد باشند و آزادی را از دیگران بگیرند. نظام‌های برده داری و استعماری و استثماري به وجود آمد. عده‌ای حقوقی پیش‌تر از دیگران داشتند. گفتند عده‌ای بهتر از دیگران هستند. عده‌ای با بقیه فرق می‌کنند. عده‌ای پیش‌تر از بقیه می‌فهمند. عده‌ای می‌توانند تعیین کنند دیگران چطور زندگی کنند، چه بگویند، چه ببوشند، چه بخواهند.

آن‌هایی که حق آزادی‌شان را گرفته بودند، ساکت ننشستند و برای گرفتن حق‌شان اعتراض کردند، ایستادند، مبارزه کردند، خون دادند، و خیلی‌ها توانستند حق‌شان را بگیرند و آزادی‌شان را به دست بیاورند، اما یادشان رفت که آزادی حق همه است. برای همین خود شدند ستمگر و استثمارگر و مستبد و استعمارگر.

در زمان جنگ‌های استقلال آمریکا و انقلاب کبیر فرانسه، مفهومی به نام «حقوق بشر» مطرح شد. دانشمندان و جامعه‌شناسان و فیلسوفان جمع شدند تا ببینند چه‌طور می‌توانند از آزادی، به عنوان معرف وجود انسان، دفاع و حمایت کنند، تعریف مشخصی بدهند، و نگذارند این مفهوم، به خاطر ابهامش بازیچه‌ی دست کسانی شود که تعبیرهای به نفع خودشان از آزادی می‌کردند و به نام آزادی، مردم را به بردگی می‌کشیدند. و سرانجام حاصل بحث‌ها و جدل‌ها این شد که: هر کس آزاد است هر چه دلش می‌خواهد انجام بدهند و هر چه دلش می‌خواهد بگوید، به شرط آن که آزادی کس دیگری را محدود نکند و نگیرد.

این شد ماده‌ی اول. بعد برای توضیح این ماده، مواد دیگری هم تدوین کردند که در نهایت شد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر. همه‌ی کشورها از آن استقبال کردند و امضا کردند و میثاق بستند تا این مواد را در کشور های شان اجرا کنند.

باید معتقد بود انسان حقوق اش را بداند، از آن‌ها دفاع می‌کند، و در ضمن حقوق دیگران را زیر پا نکند. باید دانست به آگاهی رسید، تا آزادی را به دست آورد. خدا انسان را آزاد آفریده و در کنار آن، نیروی بالقوه‌ی آگاهی را در او به ودیعه گذاشته است. برای به دست آوردن آزادی، آگاهی از آن آزادی لازم است. و آزادی، اول باید در درون انسان اتفاق بیفتد و بعد در بیرون. باید روح آزادی داشته باشیم تا آزاد باشیم. بدانیم آزادی چیست. اول به آزادی دیگران احترام بگذاریم تا مشخص شود مفهوم آزادی را درک کرده‌ایم. برای آن که به آزادی دیگران احترام بگذاریم، باید به یاد داشته باشیم که:

- حق نداریم به شخص دیگری آسیب برسانیم.
- حق نداریم آزادی شخص دیگری را بگیریم.
- حق نداریم جان کس دیگری را بگیریم.
- حق نداریم مانع تصمیم شخص دیگری شویم.
- حق نداریم خودمان را بهتر یا برتر از دیگران بدانیم.
- حق نداریم محیط زیست را آلوده کنیم.
- حق نداریم از آن چه مال همه است (بیت المال)، به نفع خود استفاده کنیم.
- حق نداریم جنگی را علیه مردم دیگری آغاز کنیم.
- حق نداریم کشور، شهر، خانه‌ی کس دیگری را اشغال کنیم.
- حق نداریم برای قبولاندن نظر خود به دیگران، از زور استفاده کنیم.
- حق نداریم زن را از مرد یا مرد را از زن برتر بدانیم و به یکی، آزادی‌های بیش‌تری بدهیم.
- حق نداریم دیگران را مجبور کنیم چیزی را نمی‌خواهند بگویند که مانمی‌گویم و یا چیز را که مانمی‌گویم جبراً بگویند. اگر این سیزده عامل را در ذهن داشته باشیم، در بقیه‌ی موارد آزادی هر چه می‌خواهیم انجام بدهیم. آزادی از هر کس که خواستیم انتقاد سالم کنیم، هر کتابی را که خوش‌ما می‌آید بخوانیم، هر داستانی را که دل‌ما می‌خواهد تعریف کنیم، و قضاوت را بگذاریم به عهده‌ی مردم. به زور هم نمی‌شود گفت: «باید از این کتاب خوش تان بیاید!»
- وگرنه... «همین حقوق را برای خودتان هم فایلید. حق ندارند به شما آسیب برسانند، حق ندارند آزادی شما را بگیرند، حق ندارند شما را بکشند، حق ندارند مانع تصمیم‌گیری شما شوند، حق ندارند خود را بهتر یا برتر از شما بدانند، حق ندارند محیط زیست را آلوده کنند، حق ندارند بیت المال را مصادره کنند، حق ندارند علیه شما وارد جنگ شوند، حق ندارند کشور یا شهر یا خانه‌ی شما را اشغال کنند، حق ندارند به زور مجبورتان کنند نظری را بپذیرید، حق ندارند مجبورتان کنند کاری را انجام دهید که نمی‌خواهید، چیزی را بگویند که نمی‌خواهید، یا حرف دلتان را نزنید ...

**فقط آن دسته از تکالیف که مطابق با کرامت و حیثیت حرفه روزنامه‌نگاری باشد بایستی بر عهده خدمت‌مطبوعات و سایر رسانه‌های اطلاع‌رسانی و نیز کسانی که در فعالیت‌های اقتصادی و**

تجارتی مؤسسات اطلاع‌رسانی شرکت دارند، گذاشته شده و از آنها پذیرفته شود. کسانی که اطلاعات یا تفاسیری را به عموم عرضه می‌کنند بایستی مسئولیت کامل برای آنچه منتشر کرده‌اند بر عهده بگیرند مگر این گونه مسئولیتها بطور آشکار در همان زمان انتشار رد شده باشد. سابقه افراد باید محترم شمرده شود و اطلاعات و تفاسیر مربوط به زندگی‌های خصوصی که احتمال دارد به سابقه آنها لطمه بزند نباید منتشر شود مگر به نفع عامه باشد و این امر را باید از کنجکاوای عامه تفکیک کرد. چنانچه اتهاماتی بر علیه سابقه یا ماهیت اخلاقی افراد مطرح شود، فرصتی برای پاسخگویی باید داده شود. شرط احتیاط و دقت بایستی در مورد همه منابع رعایت شود. محرمانه بودن مطالبی که به‌طور محرمانه ابراز شده است بایستی رعایت شود و این امتیاز همواره باید مستند به حدود قانونی باشد. از اعلامیه ملل متحد.

یکی از خصایص فرهنگ غرب به ادعای غربیها، آزادی و آزاد اندیشی است. خصوصا بر اساس دیدگاههای اومانیستی، انسان بعنوان موجودی آزاد و مختار تلقی می‌شود و اکثر نحلتهای اومانیستی که تقریبا شامل تمام مکاتب و ایسم‌های جدید غربی می‌گردد، به نوعی خود را پرچمدار آزادی معرفی می‌کنند. اما این آزادی چیست و حد و مرزش کدام است؟ در پاسخ به این سوال باید توجه داشت که «آزادی و اختیار در زمره چیزهایی نیست که در يك تمدن به انسان داده شود و در تمدنی دیگر، کاملا انسان از آن محروم گردد بلکه می‌توان گفت در هر دوره‌ای از تاریخ و بطور کلی در هر تمدنی، وجود بشر به نوعی در نظر گرفته می‌شود و امکانات او بستگی به همین نحوه وجود او دارد. در تمدن غربی هم، بشر وجودی پیدا کرده است که مقتضای علم و فعل و عمل معینی است. این بشر می‌تواند و باید به نفع خود در عالم تصرف کند و حدود آزادی او نیز همین است. پس این آزادی به معنایی است که رومانیتیکها و لیبرالهای اخلاقی می‌گویند از آن تعبیر به استقلال در آرا، عقاید، افکار و فعل و عمل می‌کنند.» البته در تمدن جدید کسی را به جرمرد عقاید دینی مجازات نمی‌کنند. گرچه آزادی در اعراض از دیانت وجود دارد اما آیا آزادی در دینداری هم وجود دارد؟ اگرچه ظاهرا چنین است و ادعا می‌شود که همه مردم صرف نظر از تعلقات دینی و نژادی و قومی و... می‌توانند در سایه تمدن جدید، همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند اما این تعلقات، تا وقتی قابل تحمل است که صرفا جنبه ظاهری و رسمی داشته باشد و آثار جدی بر آن مترتب نباشد و گر نه تفکر دینی به معنای واقعی در تمدن جدید قابل تحمل نیست. «مثلا شما در غرب نمیتوانید برضد کلیسا ویا کشیش چیري برزبان آورید.»

اگر چه اظهار نظر در باب عقاید دینی ظاهرا مانع قانونی ندارد اما صاحب چنین اعتقاداتی در حقیقت غریب و بیگانه است و آرای همگانی که از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی یکسو شده در جهت الحاد است، مجالی برای بروز جدی چنین عقایدی باقی نمی‌گذارد. پس آزادی در دوره جدید در واقع آزادی در رد کردن هرآن چیزی است که در دایره اصول تمدن جدید غرب واقع نمی‌شود.

در این راستا حتی پژوهشگران علوم اجتماعی نیز وقتی تاریخ را تاریخ آزادی می‌خوانند و تحقق آزادی مطلق را در آینده بشر قطعی می‌انگارند، از حدتوصیف وقایع خارج شده و به عالم‌اوهام می‌روند، زیرا بشر جدید، وجودی منحل در کار و کارپردازی و عقل معاش شده است و به تمام امور حتی به خود و آزادی خویش نیز از این وجهه نظر می‌نگرد. همچنین آزاد اندیشی در فرهنگ غرب صرفا نسبت به بندگی آداب دینی و سنن‌گذشتگان لحاظ می‌شود و چنین آزاداندیشی نیز مورد حمد و ستایش قرار می‌گیرد. اما سوال اینجاست که این بشر، آزاد شده است که بسته به که و چه باشد؟ پاسخ غرب این است که او دیگر بستگی به غیر ندارد و رسته از دین و گذشته و بسته به خویش است. اما در این بستگی به خویشتن و بنده خود بودن تنها آزادی از قید دین و آداب گذشته مضمحل نیست بلکه جدایی، تنهایی، سرگردانی و دورماندن از وطن و بیگانه گشتن و غربت از یار و دیار نیز به تبع آن پیش می‌آید و این همانا بزرگترین درد بشر متمدن امرواست و بهایی است که برای آزادی یا بهتر بگوییم برای سراب آزادی پرداخته است.